

بنگلادش در آینه حوادث

۱۹۴۷: پایان حاکمیت استعماری بریتانیا بر قلمروهای سرزمینی هندوستان. مناطق مسلمان‌نشین در دوسوی هندوستان به‌نام «پاکستان» نامگذاری و به پاکستان شرقی و پاکستان غربی معروف شدند. این دو بخش حدود ۱۶۰۰ کیلومتر با هم فاصله داشتند.

۱۹۶۶: «شیخ مجیبور» رهبر حزب عوامی لیگ (مردم) و رهبر جنبش استقلال بنگالی شد.

۱۹۷۰: توفان مرگبار، چیتاگونگ و بسیاری از روستاهای ساحلی را ویران کرد و حدود ۳۰۰هزار کشته برجای گذاشت. حزب عوامی به رهبری شیخ مجیب در پاکستان شرقی پیروزی چشمگیری به دست آورد و در مجلس ملی پاکستان صاحب اکثریت کرسی‌ها شد. ولی دولت حاکم بر پاکستان غربی نتوانست مجلس برپا کند.

۱۹۷۱: به‌دنبال شدت عمل ارتش پاکستان، ناسیونالیست‌های بنگلادش «جمهوری‌ردمی بنگلادش» را پایه‌گذاری کردند. هندوستان ارتش پاکستان را شکست داد. حدود ۹۰۰هزار سرباز پاکستانی اسیر شدند. حدود ۱۰ میلیون نفر به هندوستان گریختند.

۱۹۷۲: شیخ مجوب از زندان پاکستان‌غربی رها شد.

اوسید چوده‌سوری، رئیس‌جمهور و شیخ مجوب نخست‌وزیر شد. کشور جدید دموکراسی پارلمانی با قانون اساسی جدید اعلام کرد. چهار اصل اساسی قانون اساسی عبارت بود از: ۱- ناسیونالیسم ۲- سکولاریسم ۳- سوسیالیسم ۴- دموکراسی. صنایع اصلی کشور، بانک‌ها، کشتیرانی و شرکت‌های بیمه، ملی شدند.

۱۹۷۳: حزب عوامی لیگ در انتخابات پارلمانی در کشور نوظهور، به پیروزی شکننده‌ای دست یافت. نخستین دولت بنگلادش دادگاه‌بین‌المللی جنایات جنگی را به راه‌انداخت. ۱۹۷۴: پاکستان، بنگلادش را به رسمیت شناخت، یکی از بدترین سبل‌هایی که تاکنون دیده‌شده بنگلادش را ویران کرد. بیشتر محصولات کشاورزی از بین رفت. قطعی، زندگی بیش از یک‌میلیون نفر را گرفت. شیخ مجوب اعلام وضعیت‌اضطراری کرد و حقوقی که در قانون اساسی تعریف شده بود، معقل شد.

۱۹۷۵: در میانه بحران سیاسی، شیخ مجوب ترور شد وخوندار مشتاق احمد جانشین او شد. حکومت نظامی اعلام شد.

۱۹۷۶: زیلور رحمان، رئیس ارتش، رئیس سازمان قانون نظامی شد.

۱۹۷۷: زیالور رحمان، رئیس‌جمهور شد و حزب ناسیونالیست بنگلادش را تأسیس کرد. اصل سکولاریسم، از اصول قانون اساسی حذف شد.

۱۹۷۹: حزب ناسیونالیست بنگلادش در انتخابات سراسری، پیروزی چشمگیری به‌دست آورد. قانون اساسی بار دیگر اصلاح شد ونخست‌وزیر به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی شناخته‌شد. ۱۹۸۱: زیلور رحمان در چیتاگونگ توسط عناصر مخالف ارتش به قتل رسید. معاون رئیس‌جمهور عبدالستار به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت سوگند خورد.

۱۹۸۲: ستار با کودتای ژنرال حسین محمد ارشاد، خلع‌ید شد. قانون اساسی تعطیل و فعالیت احزاب سیاسی ممنوع اعلام شد. قانون حکومت نظامی دوباره بازگشت.

۱۹۸۶: حزب ژنرال ارشاد به نام «جاتیا» سومین انتخابات عمومی را برد. حکومت نظامی از بین رفت.

۱۹۸۸: احزاب مهم بنگلادش انتخابات عمومی را بایکوت کردند. در نتیجه حزب جاتیای ژنرال ارشاد ۲۵۱ کرسی از ۲۰۰ کرسی انتخابات را به‌دست آورد. پارلمان او قانون اساسی را اصلاح و اسلام را به‌عنوان مذهب رسمی بنگلادش اعلام کرد.

۱۹۹۰: دولت ارشاد با تظاهرات گسترده مخالفان سقوط کرد. ۱۹۹۰: حزب BNP (ناسیونالیست) را رهبری خاتم خالدا ضیا، در انتخاباتی که گفته می‌شد آزادترین انتخابات بنگلادش بوده، زنده شد. ضیا با حمایت حزب بنیادگرای «جماعت اسلامی» دولتش را تشکیل داد. قانون اساسی دوباره اصلاح شد، قدرت اجرایی به نخست‌وزیر بازگردانده شد و رئیس‌جمهور به مقام تشریفاتی بدل شد.

۱۹۹۱: ژنرال ارشاد به دلیل فساد مالی و دارایی‌های غیرقانونی به ۱۰ سال حبس محکوم شد. توفان موسمی پیش از ۲۰۰ هزار کشته بر جای گذاشت.

۱۹۹۶: حزب BNP و خاتم ضیا به قدرت بازگشت، ولی با اعتراض اپوزسیون مواجه شد و استعفا داد. دولت موقت را حبیب‌الرحمان تشکیل داد. شیخ حسینا دختر رهبر مقتول حزب عوامی‌لیگ به قدرت رسید. او دولت «آگاهی ملی» را شکل داد.

۱۹۹۷: ژنرال ارشاد به دستور دادگاه عالی از زندان رها شد و رهبری حزب جاتیا را دوباره به دست گرفت.

۲۰۰۱: دولت عوامی‌لیگ به دولت سرپرست اجازه سلطه بر انتخابات پارلمانی را نداد. ائتلاف چهارحزبی که BNP رهبر آن بود، دوسوم کرسی‌های پارلمان را تصاحب کرد. بیگم خالدا ضیا برای سومین‌بار نخست‌وزیر شد.

۲۰۰۷: بنگلادش دو توفان شدید دیگر تجربه کرد که بیش از ۲۰۰۰ نفر را کشت، لحدالدین احمد حکومت نظامی اعلام کرد.

۲۰۰۸: دو هفته پیش از انتخابات پارلمانی شرایط فوق‌العاده لغو شد. دو نخست‌وزیر پیشین، خالدا ضیا و شیخ حسینا در انتخابات شرکت کردند. عوامی‌لیگ انتخابات را برد و شیخ حسینا برای دومین‌بار نخست‌وزیر شد.

۲۰۱۰: پنج نفر از کسانی که محکوم به قتل شیخ مجوب بودند، انعام شدند. دادگاه جنایات جنگی پس از تاخیری طولانی برگزار شد.

۲۰۱۲: بیش از ۱۰۰ کارگر کارخانه پوشاک در آتش‌سوزی جای کارخانه جان باختند.

۲۰۱۳: مولانا عبدالکلام آزاد، واعظ تبعیدی تلویزیون مسلمان و رهبر سابق حزب جماعت اسلامی، برای قتل و کشتار گناهکار شناخته شد. یکی دیگر از رهبران جماعت اسلامی عبدالقادر ملا، در فوریه ۲۰۱۳ به حبس ابد محکوم شد. دلوار حسین سیدی، معاون رهبر حزب، ۷۳ساله در ماه مارس به مرگ محکوم شد. همین جرقه شورش در سراسر بنگلادش بود که بیش از ۸۰ کشته بر جای گذاشت.



عکس: Reuters

دادگاه جنایت جنگی در بنگلادش بر گزار می‌شود

نسل‌کشی فراموش‌شده

مریم امیری

بنگلادش روزهای ناآرامی را سپری می‌کند، تلاطمی که در پی اعلام دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی مبنی بر مجازات عاملان کشتارهای بی‌رحانه در زمان جنگ آزادسازی ۱۹۷۱ به وجود آمده است. در سال ۲۰۱۳، چهارنفر گناهکار شناخته شده و احکام سنگینی در یافت کردند و تحقیقات در مورد ۱۲ نفر دیگر از متهمان ادامه دارد. در اعتراضات متعاقب تفهیم اتهام و محکومیت این ۱۳ نفر، تاکنون بیش از صدنفر کشته شده و بیش از ۸۰۰ نفر زخمی شده‌اند.

بنگلادش در یک نگاه

زمینه تاریخی-جرای برپایی دادگاه‌های جنایات جنگی

دولت بنگلادش می‌گوید این دادگاه‌ها برای مجازات مرتکبین «جنایت‌علیه بشریت» در طول جنگ داخلی سال ۱۹۷۱ برپا شده است. جنگی که منجر به جدایی پاکستان‌شرقی و غربی و تأسیس کشور مستقل بنگلادش شد. برآوردهای رسمی حاکی‌است در این جنگ هشت‌ماهه حدود سه‌میلیون‌نفر کشته شدند و بیش از ۲۵۰هزار زن نیز توسط نظامیان پاکستانی و همدستان بومی‌شان مورد تجاوز قرار گرفتند. به همین منظور دولت بنگلادش در پی فشار افکار عمومی برای برقراری عدالت پس از قتل‌عام‌ها و تجاوزهای دسته‌جمعی تصمیم به برقراری این دادگاه گرفته است.

نخستین دولت کشور مستقل بنگلادش در سال ۱۹۷۳ قانون دادگاه‌های بین‌المللی جنایات جنگی را از تصویب گذراند، اما پس از آنکه در سال ۱۹۷۵ اولین رئیس‌جمهور کشور تازه‌تأسیس بنگلادش، شیخ‌مجیب‌الرحمان و بیشتر اعضای خانواده‌اش به قتل رسیدند، دولت نظامی بعدی بحث «جنایات جنگی» را به کناری گذاشت.

هنگامی که در اوایل دهه ۹۰ میلادی مجدداً دموکراسی در بنگلادش برقرار شد، گروهی از فعالان مدنی قدرتمند بنگلادش (کمیته پاکسازی قاتلان و همدستان کشتارهای ۱۹۷۱) خواستار برپایی دادرسی‌های عادلانه شدند. حزب عوام بنگلادش که در سال ۲۰۰۸ به قدرت برگشت، در تبلیغات انتخاباتی، وعده برقراری عدالت درباره «جنایات جنگی» را داده بود. پس از یک پیروزی قاطع در انتخابات، دولت حزب عوام به رهبری شیخ حسینا اولین دادگاه ویژه را در سال ۲۰۱۰ و دومی را در سال ۲۰۱۲ برگزار کرد تا به روند دادرسی سرعت بخشد. نیروهای هوادار آزادسازی – که هسته اصلی هواداران حزب حاکم را تشکیل می‌دهند- منتقدان اصلی حزب عوام بودند و دولت این حزب را

به کم‌توجهی به روند دادگاه‌ها متهم می‌کردند.

زمینه سیاسی- احزاب متخاصم کدامند؟

حزب عوام (مسردم) بنگلادش هم‌اکنون ۲۲۰ کرسی از ۳۴۵ کرسی مجلس ملی را در اختیار دارد و دارای اکثریت مطلق است. نزدیک‌ترین رقیب این حزب، حزب ملی‌گرای بنگلادش و حزب جاتیا هستند که هر کدام دارای ۳۰ و ۲۷ کرسی در مجلس هستند.

جماعت اسلامی بزرگ‌ترین حزب اسلام‌گرا در این کشور است و اپوزیسیون حزب عوام به‌شمار می‌رود. حزب عوامی که سرانش از رهبران جنگ استقلال و نزاع ملی‌گرای بنگالی علیه پاکستان بوده‌اند. نه حزب عوام و نه متحان چپگرایش در جنگ استقلال طرفدار پاکستان نبوده‌اند. جماعت اسلامی اما حزبی بود که به طرفداری از پاکستان شهره بود و از پاکستان متحد دفاع می‌کرد و با آزادسازی بنگلادش مخالف بود. فعالان این حزب به کرات به نیروهای کمکی ارتش پاکستان می‌پیوستند: راکازار، البدر و الشمس از جمله این گروه‌ها بودند.

موافقان و حامیان دادگاه

دولت بنگلادش

به اعتقاد دولت، روند دادگاه عادلانه، آزادانه و شفاف است. طبق گفته‌های دولت، نزدیکان متهمان، رسانه‌ها و ناظران بین‌المللی نیز بر اساس استاندارد دهای دادگاه‌های مشابه در دیگر نقاط جهان در دادگاه حضور داشته و روند آن را زیر نظر دارند.

وزیر قانون شفیق احمد

احمد محاکمه اعضای جماعت اسلامی را پارلمان بنگلادش این‌گونه توجیه کرد: «گر حزب نازی را می‌توان به اتهام ارتکاب جنایات جنگی محاکمه کرد چرا جماعت را نتوان محاکمه کرد؟» او همچنین معتقد است بنگلادش مصمم است به «فرهنگ مصونیت» پایان دهد؛ فرهنگی که در آن، جنایتکاران آزادانه و بی‌هیچ عذاب وجدانی به فعالیت ادامه می‌دهند.

مخالفان دادگاه

اپوزیسیون

اپوزیسیون، دادگاه را در خدمت دولت می‌داند. آنها قاضی دادگاه نظام‌الحق را متهم می‌کنند که به‌طور مداوم از طریق اسکایپ با احمد ضیاءالدین یک

جهان

مبارک حسین

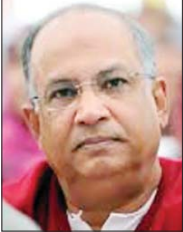
تحقیقات در جریان است



ابوالکلام آزاد محکوم به اعدام



ملاح‌الدین قادر چادوری تحقیقات در جریان است



عبدالقادر مٹا محکوم به حبس ابد



دلوار حسین سیدی محکوم به اعدام



آغورالاسلام

تحقیقات در جریان است



غلام اعظم

تحقیقات در جریان است

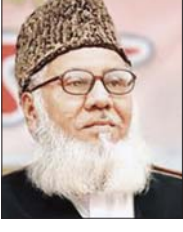


محمد قمر الزمان محکوم به اعدام



مطیع الرحمان نظامی

تحقیقات در جریان است



میرقاسم علی

در انتظار ارایه کیفرخواست



علی‌احسن مجاهد تحقیقات در جریان است



دریچه

در جست‌وجوی عدالت

ساشی تارور

در س‌ماه گذشته، داکا پایتخت بنگلادش در محاصره دریایی از انسان بوده که خواسته‌ای غیرمعمول داشتند؛ دست‌کم در شب‌قاره‌هند. آنها مصرا نه برای قربانیان قتل عام ۱۹۷۱ که حاکمان سابق پاکستان شرقی بر بنگالی‌ها را داشتند، عدالت‌می‌خواهند.

اعتراض‌ها خودجوش، بدون سازماندهی و همراه با اغتشاش و در عین‌حال به‌قابل‌توجهی مسالمت‌آمیز بود. بسیاری از معترضان میدان «شهاگ» در داکا جوان‌تر از آن هستند که چنان کشتاری را به‌پاد آورند. اما به این درک رسیده‌اند که هیچ جنایتی نباید بی‌مجازات بماند و هیچ‌چیز به اندازه عدالت، زخمی را که چهارده سرش بازمانده، التیام نمی‌بخشد. عجیب این است که شب‌قاره دند در مسیر توسعه ترجیح داد چنین بی‌عدالتی‌های عظیمی را به واسطه ترس‌خوردگی تاریخی‌اش فراموش کند. در جریان مرزکشی هندوستان میلیون‌ها نفر جلشان را از دست دادند و بیش از ۱۳ میلیون نفر آواره شدند. اما هیچکس بابت چنین جنایاتی محاکمه نشد و هرکس هم برای این تلاش کرد خود مجازات شد.

تقریباً هرساله در اقصی‌نقاط شبه‌جزیره، خبر قتل‌های مهیب- حتی گاهی کشتار هزاران‌نفری- به نام‌مذهب، فرقه و نژاد رخ می‌دهد. در چنین مواردی دم و دستگاه می‌پزد، ولی تقریباً هیچ عدالتی در کار نیست. به‌طریق، ایده‌آل حقوق بشر بنگلادشی راه به توسعه جدیدی می‌برد. نتیجه احساساتی که در شهباک بروز کرده، برپایی دوباره دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی بود که طی آن دادگاه جرات کرد رهبران «جماعت اسلامی» را تک‌انگهار تشخیص دهد- جماعت اسلامی علاوه بر رفتارهایی که طی سال‌ها مرتکب شد، پس از آن نیز با تشکیل گروه‌های نظیرالبدر و الشمس در سال‌های بعد نیز اعمال مشابهی انجام داد. جوانان معترض بنگلادش، برای جامعه آیدالشان سوگرمی می‌خواهند:

سکولاریسم، پولولاریسم و دموکراسی، این‌واژه‌ها در قانون اساسی بنگلادش که همزمان هم جمهوری و هم حکومت اسلامی است، وجود داشته است. اگر این تناقض را نادیده بگیریم، واقعیت این است که برخورد با نیروهای دموکراسی‌خواه و سکولار، اغلب با سوءاستفاده از ارزش‌ها صورت می‌گیرد. شاهد این‌مدعا این است که همه مخالفان برگزار دادگاه بنیادگرای اسلامی هستند: جماعت اسلامی و حفاظت اسلامی. آنها برای جلوگیری از تشکیل دادگاه منطقه «هوتی جیل» را اشغال کردند. برخلاف تظاهرات شهباک، گروه اخیر خیلی خوب سازماندهی‌شده و بسیار خشن بودند. آنها به همه گروه‌هایی که به نوعی از دادگاه حمایت کنند، حمله می‌کنند و هر حمله تعدادی کشته و زخمی به جا می‌گذارند. جالش میان بنیادگرایی مذهبی و دموکراسی سکولار در شب‌قاره هند بحث جدیدی نیست. اما موضوع جنایات ۱۹۷۱، دودستگی شدیدی در این جامعه به وجود آورده است. جوانان معترضان شهباک اکثر آشوبی، تحمق‌ان کرده و از طبعه متوسط هستند. بنیادگرا عمدتاً از حمایت روستایی‌های فقیر برخوردارند. سستی در مقابل مدرن، شهری در مقابل روستایی، روشنفکر در مقابل مرتجع، این دوتایی‌ها زیادی کلیشه‌ای هستند. ولی کلیشه‌ها جملگی از آن رو پا می‌گیرند که بعضی‌ها جماعت مذهبی و بنیادگرا را طرفداران خود می‌پندارند. در مقابل، طرف معترضان شهباک است تا مخالفان آنها ولی راهی صعب در پیش است زیرا هر دودیدگاه به یک اندازه از حمایت مردمی برخوردارند. دولت برای فرونشاندن خشم اسلامگراها ناچار شد چهار ویلاگرنوس را بازداشت کند. با این حال دولت تا اینجا ثبات قدم نشان داده است.

میرقاسم علی در انتظار ارایه کیفرخواست

نگاه

نبرد ناتمام

شرق: مردم بنگلادش، با نیروهای بنیادگرایی مذهبی که در نوع خود قسی‌ترین هستند، مشغول نبرد سهمگینی هستند. نبردی به یادگار از دهه ۷۰ که سه‌میلیون کشته داد. این بار، در جنگی که ادامه دارد، دانشجویان، جوانان و روشنفکران نقش رهبر دارند. به‌جز سازمان‌های دانشجویی و معلمی، نهادهای فرهنگی، وکلای روزنامه‌نگارها و زنان، احزاب چپگرا و سکولار از جنبش آزادبخواهانه حمایت می‌کنند. در ماه‌های گذشته سازمان «سایبان» توانسته صدها هزارنفر را علیه نیروهای ارتجاعی بسیج کند.

بنیادگرای‌های مذهبی در ماه‌های اخیر با تخریب عبادتگاه‌ها و خانه اقلیت‌های مذهبی، بار دیگر چهره واقعی خودشان را نشان دادند. در دو ماه گذشته بیش از ۱۵۰ نفر قربانی خشونت‌طلبی آنها شده‌اند. بنیادگرا‌ها که عمدتاً تحت عنوان «جماعت اسلامی» شناخته می‌شوند از حمایت بزرگ‌ترین حزب اپوزیسیون یعنی حزب ناسیونالیست بنگلادش BNP برخوردارند. همین آنها را برای حمله به سکولار‌ها، کارگرا‌ها و اقلیت‌ها جسورتر کرده است.

در هنگام‌های که جنبش آزادبیشخ مردم بنگلادش در ۱۹۷۱، در جریان بود، حزب «جماعت اسلامی» و شاخه دانش‌آموزی آن به ارتش پاکستان کمک می‌کرد. در آن زمان هر کس به آزادخواهی مظنون بود از دم تیغ این فرقه گذشت. جمعیت اسلامی برای ساماندهی جنایات غیرانسانی خودش، گروه‌هایی تنه‌کار با نام‌هایی چون «اجکار»، «البدر»، «الشمس» و نظیر اینها تشکیل داد. گروه‌های که فعالیت‌ها در قتل‌ها و تجاوزهای دسته‌جمعی و جنایت‌های دیگر شرکت داشتند.

پس از آزادسازی بنگلادش، بسیاری از رهبران بنیادگرا به پاکستان و کشورهای عربی، حتی به آمریکا و کانادا گریختند. دولت جدید را که «شیخ مجوب رحمان» تأسیس کرد، پارلمان قانونی برای رسیدگی به جنایات جنگی تصویب کرد. بسیاری از متهمان دستگیر و به دادگاه آورده شدند. اما بخشی از افسران میانی ارتش به کمک نیروهای ضدآزادی و البته CIA، در ۱۵ اگوست ۱۹۷۵ کودتا کردند. شیخ مجوب و خانواده‌اش به قتل رسیدند. تنها دو تا از دخترهایش حسینا و ریحانه، توانستند از مرگ بگریزند. حسینا حالا نخست‌وزیر کشور است.

در اواخر سال ۱۹۷۵ ژنرال زیائور رحمان ریاست‌جمهوری را به دست گرفت و اعلام حکومت نظامی کرد. او بابت درجه نظامی‌اش از شیخ مجوب ناراضی بود. ژنرال تشنه قدرت، دادگاه جنایات جنگی را تعطیل و آنها که زندانی بودند را آزاد کرد. برای مشروعیت‌بخشیدن به قانون حکومت نظامی، حزبی سیاسی به نام BNP از اردوگاه نظامی خودش ساخت. بعد انتخابات پارلمانی را که به مضحکه تبدیل‌ت‌بود به راه‌انداخت و به این ترتیب «رئیس‌جمهور برگزیده» شد. ژنرال زیائور ن‌تنها دادگاه را متوقف کرد که برخی متهمان را وزیر و وکیل هم کرد. افسرانی که در ترور شیخ مجوب دست داشتند، با بست سفیری دلجویی شدند‌در همین حال رهبران حزب جماعت اسلامی در سراسر بنگلادش شبکه خود را گسترانیدند و از مسجد و مدرسه‌های علمی برای مقاصدشان سود جستند و از این طریق به پول کلانی دست یافتند که برای فعالیت‌ها و سازماندهی نیاز داشتند. حزب جماعت اسلامی صدها مدرسه، بانک، بیمارستان، کارخانه، روزنامه و کالای تلویزیونی راه انداخت و به‌زودی به امپراتوری مالی عالی‌ت‌گیر بدل شد. چنین تروتی برای حزب جماعت اسلامی امکان سازماندهی قوی و حتی پرورش شبه‌نظامی‌های مسلح را فراهم کرد.

نخوت قدرتی که ژنرال زیائور را گرفت و بازسازی جماعت اسلامی، به گروه‌های تجزیه‌طلب افراطی در شمال‌شرقی هندوستان مانند گروه «تریپورا» مجال داد تا کمپ‌ها و مراکز آموزشی خودشان را درون قلمرو بنگلادش بگسترانند. ن‌تنها اینها، که سازمان‌های تروریستی پاکستان هم واحدهای خود را به بنگلادش منتقل کردند و با استفاده از خاک بهشت انشان اعمال تروریستی فراوانی در هندوستان انجام دادند.

در دهه ۱۹۹۰، نیروهای سکولار و روشنفکران بنگلادشی که رفته‌رفته پا گرفتند، جنبشی با خواست از سرگیری دادگاه جنایات جنگی راه انداختند. پلتفرم این جنبش را زنی به نام جهان‌آرا امام رهبری می‌کرد که پسرش را در جنگ‌های ۱۹۷۱ از دست داده بود.

در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶، حزب عوامی‌لیگ، به رهبری شیخ حسینا برنده شد. دولت حسینا دادگاه جنایات جنگی را دوباره راه انداخت. همچنین فعالیت بنیادگرا‌ها را تا جایی که توانست محدود کرد. اما در انتخابات ۲۰۰۱، حزب BNP و حزب جماعت اسلامی ائتلاف نایبومنی کردند و دولت را به دست گرفتند. رهبران جمعیت اسلامی که مستقیماً در جنایات سال ۱۹۷۱ دست داشتند در دومین دولت خالدا ضیا جاجوش کردند. جماعت اسلامی که دستش را باز می‌دید به خوی سال ۱۹۷۱ بازگشت، این‌بار علیه اقلیت‌ها. همان قتل و تجاوز‌ها، البته در مقیاسی کوچک‌تر دوباره تکرار شد. از بعدی دیگر فعالیت‌های اقتصادی و در راس آنها قاجاق اسحه برای بنیادگرا‌ها مهل‌تر از زمان‌های

بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ به لطف اتحاد BNP و جمعیت اسلامی، گروه‌های افراطی زیادی زاده شدند. یکی از آنها به نام MJJB در یک روز ۶۳ حمله در نقاط مختلف بنگلادش سازمان دادند که عمدتاً فوق‌وقایع را هدف می‌گرفت. ده‌ها نفر از قاضی و وکیل تا مردم عادی در این حملات کشته شدند. این تنها مثالی از شدت خشونت در کنار سازماندهی منظم گروه‌های بنیادگرا در بنگلادش است. قدرت سازماندهی، در مرون اسطاعت مالی است و آن هم به مرحمت زدونید سیاسی به دست آمده است.

در سال ۲۰۰۸ که حزب عوامی‌لیگ قدرت را به دست گرفت، دادگاه‌های رسیدگی به جنایات جنگی دوباره آغاز شد. هفت نفر از رهبران جماعت اسامی و دو نفر از اعضای حزب BNP دستگیر شدند.

دو حزب مذکور برای توقف دادگاه، حملات خشونت‌باری به نیروهای سکولار، اقلیت‌های مذهبی و کارگران در سراسر بنگلادش با هدف نابود کردن کشور و سپس ساقط کردن دولت، ترتیب دادند. خالدا ضیا شخصاً از مقامات ارتش خواست کودتا کنند که البته به‌خواسته‌اش نرسید. در دومین جلسه دادگاه، یکی از رهبران برجسته جماعت اسلامی به جرم کشتن بیش از ۳۰۰ نفر به مرگ محکوم شد. ولی دادگاه در حکم او تخفیف داد. نیروهای سکولار به خشم آمدند و در میدان شاهبگ در داکا تحصن کردند که بیش از چهار هفته طول کشید. متعاقب آن جنبشی به راه افتاد که نیروهای دموکراسی‌طلب سکولار آن را هدایت می‌کردند. در ابتدا شش خواسته مطرح شد: اشد مجازات برای جنایتکاران جنگی، تسریع رسیدگی دادگاه به پرونده‌ها، جلوگیری از فعالیت حزب جماعت اسلامی و شاخه دانشجویی آن، مصادره اموال این حزب و ارگان‌های تجاری وابسته به آن. جنبش توانست در مدت کوتاهی حامیان زیادی جذب کند که موفقیت بزرگی بود. در این مدت جماعت اسلامی فعالیت‌ها جنبش را تخریب می‌کرد.

به نظر نمی‌رسد سستیز نیروهای آزادخواه با نیروهای ارتجاعی در بنگلادش، به این زودی‌ها تمام شود. این مبارزه از زمان استقلال از هند (۱۹۷۴) آغاز شده و مکرر اوج و فروه می‌گیرد. در شش دهه گذشته، آزادخواهان پیروزی‌های بزرگی به دست آورده و سنت باشکوهی بنیان گذاشتند. تلاش‌های اخیر آنها نیز ادامه همین سنت است که اکنون به دوش جوانان سه نسل پس از مبارزان ۱۹۷۱ افتاده است.